



بخش سوم

خدایا! بـسر مـحمّد و آتش درود فرست و به عزّت مرزهای مسلمانان را محکم و استوار ساز و به نیرویت نگهبانان مرزها را توانایی بخشش و عطایای آنان را به توانگری‌ات کامل و سرشار کن. خدایا! بر محمّد و آتش درود فرست؛ تعدادشان را بیغرا و سلاحتشان را تیز و برآ کن؛ اطراف و جوانیشان را محکم و نفوذناپذیر ساز و جمعشان را به هم پیوند ده؛ کارشان را رویه‌راه کن و آذوقهٔ آنان را بی‌درپی برسان؛ سختی هایشان را به تنهایی کارساز باش و به یاری خود نیرومندشان ساز؛ به شکیبایی مددشان ده و آنان را در چاره‌جویی و دقّت نظر، نیرومند ساز. (دعای ۲۷ صحیفهٔ سجاده‌ی، برای مرزبانان).

«آگوست کنت» به‌عنوان یک جامعه‌شناس، بر این باور بود که نقش پیشینیان در ساخت جامعه، بیش از افراد حاضر در جامعه است. درواقع بخش عمدهٔ هویت مردم یک سرزمین، مدیون رخدادهایی است که در تاریخ آن سرزمین به وقوع پیوسته است. از سوی دیگر تجربهٔ مشترک جمعی در ساخت و تغییر هویت اجتماعی اثر گذار است.

ازاین‌رو، ارائهٔ یک روایت درست و به‌دوراز تحریف و فراموشی در خصوص رخدادهایی که مردم ایران متأثر از آن بودند، در شکل‌گیری و یا حفظ هویت مردم بسیار مهم است. اهمیت بیان روایت صادقانه از تاریخ در انتقال مناسب درس‌آموخته‌ها و تصحیح مسیر پیموه شده نیز اثر گذار است. خطای شناختی در مرحلهٔ تبدیل «داده» به «اطلاعات» در هر مدیریت دانش، به بروز فرصت ایجاد «شبه‌علم» و حتی «خرافات» خواهد انجامید. درواقع اگر رخدادهای تاریخی به‌خوبی شناسخته و تجزیه‌و تحلیل نشود، «خطای شناختی» به ایجاد آسیب در فرایند انتقال تجربه و درس‌آموزی از پیشینیان می‌انجامد.

بدون تردید یکی از مهم‌ترین نتایج مطالعهٔ تاریخ، درس‌آموزی از گذشته و خلق ایده‌های جدید برای آینده است. بر این اساس می‌توان به این جمله اعتماد کرد که «مدیریت دانش» هم همچون «جامعه‌شناسی» مدیون «تاریخ» است. به ویژه اینکه، «تاریخ شفاهی» به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای گردآوری داده و در سطحی دیگر، یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقیق برای استخراج درس‌آموخته‌ها و بسته‌های دانشی برای انتقال به دیگران در راستای «مدیریت دانش» است. یکی از مهم‌ترین شرایط موفقیت مدیریت دانش، تجزیه و تحلیل صحیح رخداده‌ها و پرهیز از خطای شناختی و دوری از تحریف و فراموشی رخداده‌ها است. ادامه دارد... اما اینکه در زمانه‌ای قرار گرفته‌ایم که برای حفظ کالان‌روایت‌های صادقانه در برابر هر گونه تحریف و فراموشی، باید روایت‌های تاریخی نساب و اثر گذار را ثبت و منتقل کنیم. از جمله تجربیات تلخ مشترک اجتماعی در ایران، تجربه جنگ جهانی دوم و اشغال ایران است. ماجرای غم‌بار ایران در جنگ جهانی دوم برای هر انسانی دردآور و شگفتی‌ساز است. درد و اندوه مردم ایران که بی دفاع و مظلوم در برابر متفقین مهاجم، رها شدند و ناتوانی حاکمیت در دفاع از مردم، پیامد حکمرانی نامطلوب –و حتی می‌توان گفت حکمرانی بد– بود. حکمرانی نامطلوب در هر دورهٔ تاریخی به از دست‌رفتن سرمایهٔ اجتماعی می‌انجامد. تفاوت ندارد در زمان آخرین پادشاه صفوی باشد یا در زمان پهلوی اول. در جنگ جهانی اول، روحانیان، بازار و اقتدار مختلف سلاح به دست گرفتند و مقابل تهاجم خارجی ایستادند. این امر نشان‌دهندهٔ سرمایهٔ اجتماعی بالا در جامعه، در برابر بیگانگان بود؛ اما در جنگ جهانی دوم، سرمایهٔ اجتماعی شکننده و کم بود و غیر از کارکنان ارتش و چند نفر ژاندارم مرزبان، آن‌هم خودجوش، مقاومت چندانی از سسوی سایر اقتدار مردم انجام نشد. این مسئله باعث تسریع سقوط کشور شد. آسیب بزرگ کاهش سرمایهٔ اجتماعی همواره زایندهٔ تهدیدات بزرگ است.

پس از انتشار چاپ نخست کتاب «بایندر»، یکی از کارشناسان نشر اظهار کرد که انتشار کتاب بایندر از جمله اقدامات اثر گذار حوزهٔ نشر در این سرزمین محسوب می‌شود. اثر گذاری کتاب «بایندر» بیش و پیش از آن‌که مدیون حمایت پیش‌کسوتان نیروی دریایی، پژوهشگران، علاقه‌مندان به تاریخ و اهل مطالعه باشد، مدیون شهدای نیروی دریایی؛ به‌ویژه شهیدان غلامعلی و یدالله بایندر است.

ادامه دارد...



سرتیبه گروہ توسعه –سعید قلیچی – ساخت و آبیگری یک سد در کشور افغانستان، ممکن است در آینده برای منابع آبی ایران دچار بحران کند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که بحران‌های آبی در منطقه خاورمیانه، به ویژه بین ایران و همسایگانش، در سال‌های آینده به شدت تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و مدیریت نادرست منابع آبی قرار خواهند گرفت.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، یک هفته پیش از این بود که عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب کشور در صحبت‌های خود؛ ساخت و آبیگری سد پاشدان در حوضه مرزی هریرود را اقدامی یک‌جانبه از سوی طرف افغانی دانست که باعث کاهش جریان طبیعی این رودخانه مرزی شده و خسارت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی قابل توجهی را به مناطق پایین‌دست، به‌ویژه در تأمین آب شرب شهر مشهد، وارد کرده است.

ایران باید با اتخاذ رویکردی جامع و هماهنگ، به‌ویژه در حوزه دیپلماسی آبی، از بروز بحران‌های جدید جلوگیری کرده و به سمت ایجاد همکاری‌های پایدارتر حرکت کند. ایران به دلیل قرارگیری در منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان، از دیرباز با مشکلات کم‌آبی مواجه بوده است. این مسأله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که منابع آب مشترکی با کشورهای همسایه وجود دارد و مدیریت این منابع به یکی از مسائل اساسی در روابط دیپلماتیک تبدیل شده است. در طول تاریخ، تعاملات ایران با همسایگانش در موضوع آب همواره متأثر از تغییرات جغرافیایی، سیاسی و اقلیمی بوده است.

سدسازی‌های بی‌رویه و به دور از در نظر گرفتن توصیه‌های فعالان محیط زیستی در کشور طی سال‌های اخیر، منجر به تشدید بحران کم‌آبی در نقاط مختلف شده است. نتیجه اقدامات غیر کارشناسی و غیرمسئولانه در بسیاری از استان‌های کشور تنش‌های آبی را شدت بخشیده و برخی از کشورها از جمله افغانستان هم با سدسازی‌های متعدد باعث شده‌اند تا مردم کشور در محدوده مرزهای مشترک با بحران آبی دست به گریبان باشند و در تأمین آب شرب و همچنین آب مورد نیاز برای کشاورزی دچار مشکلات فراوان شوند.

سدسازی طالبان عامل بحران در ایران

طالبان دستکم با سه سد در برابر ایران رسماً آنچه را آغاز کرده جنگ آبی با ایران است. اکنون دیگر مساله ساخت «سد پاشادان» بر هریرود، سد «کچ‌صمد» بر خاشرود و تقویت «بند کمال‌خان» و تبدیل آن به سد در حقیقت تلاشی برای ایجاد خشکسالی و افزایش ناامنی در شرق ایران دانست، تلاشی که به نظر می‌رسد تا فاجعه آن بیخ گوش و زیر چشم دولت‌ها و مسئولان نرسد عمق بحران را باور نخواهند کرد. در حالی که طالبان آب رودخانه هیرمند را به روی ایران بسته بود، تنها کورسوی امید باقی‌مانده برای تالاب هامون، جریان رودخانه فراه بود، اما اکنون سد «بخش‌آباد» که به دست طالبان و با همکاری ترکیه در حال ساخت است، تهدیدی مستقیم برای حیات سیستان به شمار می‌رود.

«روزنامه دریایی سرآمد» گزارش می‌دهد؛

منافع ایران تشنه دیپلماسی آب

سدسازی بی‌رویه طالبان به بحران کم‌آبی

در ایران می‌انجامد

شده است. تغییرات اقلیمی، سدسازی‌های بی‌رویه در افغانستان و عدم اجرای درست توافقات باعث شده است که رود هیرمند به یکی از مهم‌ترین منابع بحران آبی بین دو کشور تبدیل شود. در سال‌های اخیر، افغانستان با احداث سد کجکی و دیگر پروژه‌های توسعه‌ای در حوزه آب،

جریان طبیعی رود هیرمند را به شدت کاهش داده است. این موضوع تأثیرات منفی جدی بر مناطق جنوب شرقی ایران، به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان، داشته و این منطقه را با خشکسالی و بحران معیشتی روبه‌رو کرده است.

بحران آبی ایران و عراق نیز به دلیل رودخانه‌های مشترک از جمله دجله و فرات از مسائل مهم منطقه‌ای است. ترکیه به عنوان کشوری که سرچشمه اصلی این رودخانه‌ها در آن قرار دارد، نقش مهمی در مدیریت این منابع دارد. سدسازی‌های ترکیه بر این رودها به کاهش جریان آب در عراق و سپس ایران منجر شده است. علاوه بر این، مدیریت نادرست منابع آبی در هر دو کشور نیز به افزایش بحران‌ها دامن زده است. یکی از بحران‌های مهم آبی بین ایران و عراق به تالاب هورالعظیم مرتبط است. این تالاب مشترک که میان مرزهای ایران و عراق واقع شده، در سال‌های اخیر به دلیل کاهش ورودی آب و سوء مدیریت دچار خشکی شدید شده و به یکی از عوامل افزایش گرد و غبار در منطقه تبدیل شده است.



ایران و ترکیه نیز در حوزه آب با چالش‌هایی مواجه هستند، هرچند که این چالش‌ها به اندازه موارد افغانستان و عراق حد نیستند. رودخانه‌های ارس و قره‌سو که از ترکیه به سمت ایران جریان دارند، همواره در معرض کاهش حجم آب به دلیل سدسازی‌های ترکیه قرار داشته‌اند. پروژه گاپ (پروژه بزرگ آاناتولی) ترکیه که شامل احداث سدهای متعدد بر رودخانه‌های دجله و فرات است، نه‌تنها عراق و سوریه، بلکه ایران را نیز در معرض بحران‌های آبی قرار داده است.

یکی از مهم‌ترین مسائل آبی ایران و جمهوری آذربایجان مربوط به رودخانه ارس است که مرز طبیعی میان دو کشور محسوب می‌شود. هرچند تا کنون توافقات نسبی میان دو کشور برای مدیریت این منبع آبی برقرار بوده است، اما همچنان نیاز به همکاری‌های گسترده‌تری برای مدیریت پایدار و جلوگیری از آلوده شدن منابع آب وجود دارد.

را رقم می‌زند و پیامدهای بسیاری را در شرایط بحران آب کشور ما به دنبال دارد.

سدسازی در افغانستان برای فشار بر ایران

مدتی قبل ابوالفضل ظهره‌وند، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، درباره ساخت «سد بخش‌آباد» روی رودخانه «فراه‌رود» که منبع اصلی تأمین آب هامون است، گفت: ترکیه در حال ساخت سدهای متعددی در افغانستان است؛ اقدامی که می‌تواند بر حق آبه ایران از این رودخانه و زندگی مردم سیستان تأثیر مستقیم بگذارد. این نماینده مجلس همچنین به ساخت یک سد دیگر در حوزه زرنج اشاره کرد و گفت: این اقدامات، بدون در نظر گرفتن تأثیرات اقلیمی بر غرب افغانستان، تنها با هدف تحت فشار قرار دادن ایران انجام می‌شود. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس انتقاد کرد که ایران تاکنون به مسئله آب به عنوان یک مولفه راهبردی در تنظیم روابط با دیگر کشورها، به‌ویژه افغانستان، توجه کافی نکرده است.

از طرف دیگر عباس محمدی، فعال محیط زیست نیز می‌گوید: از جمله متحدان و سرمایه‌گذاران کشور افغانستان در سدسازی‌های اخیر، کشورهایی چون چین هستند که جزو شرکای بزرگ اقتصادی و تجاری ایران است و حتی ایران نمی‌تواند با متحدان بزرگ تجاری خود که سالانه میلیاردها

از دست رفتن جایگاه دیپلماسی ایران در موضوع آب

عباس محمدی، کنشگر و فعال محیط زیست، به گفتگو با خبرآنلاین درباره تبعات سدسازی بی‌رویه در کشور و در مرزهای ایران می‌گوید: وقتی وزارت نیرو بارها اعلام کرده که ایران سومین کشور بزرگ سدساز در دنیا است، نمی‌تواند به سدسازی افغانستانی‌ها ایراد چندانی را وارد کند و حرفی بزند که در محافل جهانی شنوای این حرف باشند. ما در ایران حتی به روی رودخانه‌هایی که از یک استان به استان دیگر آب می‌برد سد بسته‌ایم و این قبیل اقدامات سدسازی و بندسازی روی آن‌ها یک سری اختلافات عجیب اجتماعی را در بین مردم استان‌های مختلف کشور به وجود آورده است.

این فعال محیط زیست ادامه داد: ایران اساساً جایگاه دیپلماسی و محیط زیستی خود را از دست داده است و نمی‌تواند در مقابل کشوری مثل ترکیه که یک کشور قدرتمند عضو ناتو است که هیچ، ایران در مقابل افغانستان هم نمی‌تواند حرفی بزند و هیچ سلاح دیپلماتیکی برای حرف زدن ندارد و آن‌ها هم می‌گویند ما می‌خواهیم برای مردم خودمان آب تأمین کنیم. تأمین آب یک کلمه دروغین است و آب فقط از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود و سران و مسئولان افغان هم همین حرف مسئولان وزارت نیرو در کشور خودمان را می‌زنند و بنابراین مسئولان کشور در حال حاضر نمی‌توانند کار خاصی انجام بدهند.

ضعف دیپلماسی ایران برای گرفتن حق آبه هیرمند

ایران در مورد رودخانه هیرمند مشخصاً یک قرارداد با کشور افغانستان دارد که به اعتقاد کارشناسان آن قرارداد، یک قرارداد ضعیف است و خیلی نمی‌توان روی آن حساب کرد و مربوط به پیش از انقلاب است. براساس همان قرارداد سالانه حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب باید به ایران بیاید و این برای شرایط عادی بوده، در شرایط سیلابی هیرمند باید آب بیشتری به ایران وارد شود ولی حتی در این مورد استثنایی هم ایران نتوانسته حق خودش را از افغانستان بگیرد. افغانستان هم چه در زمان طالبان اول و چه در زمان حامد کرزای و دولت آن زمان و چه در زمان طالبان فعلی، اساساً ایران نتوانسته حقابه خود را از آن‌ها بگیرد، چون دیپلماسی ضعیفی به ویژه در حوزه محیط زیست داشته است. افغانستان هم با دیدن ضعف طرف ایرانی سوءاستفاده کرده است. افغانستان روی هیرمند ۳ سد ساخته است و کارایی دیگر سدهای ما، مثل سد دوستی که بین ایران و ترکمنستان مشترک است هم مختل کرده است. ساخت سد جدید «پاشدان» هم مشابه همین اتفاقات

یک‌روز به یادماندنی در تاریخ دریانوردی ایران

قاب‌دوربین



عکس محسن رنگین‌کمان

بدون شرح...



فریاب‌یزی – اقتصاد سرآمد